

مهندس کاظم فرزوان

مدیر بذر، تحقیقات و آموزش

شرکت توسعه کشت دانه های روغنی



سخنی کوتاه

خیر نخواهد نمود بلکه به دلیل قیمت قابل توجه بذور وارداتی، عدم ارزیابی رسمی از سوی مراجع تحقیقاتی (حداقل عدم ارائه نتایج) زمینه آزمون و خطا از محل درآمد کشاورزان را فراهم خواهد نمود. ضمن آنکه این رویه مشکلات اساسی برای شرکت های تولید کننده بذر داخلی که با سرمایه شخصی نسبت به تولید بذور استاندارد حسب سفارش اقدام می نمایند ایجاد خواهد نمود زیرا تبلیغات در مورد بذور وارداتی عملاً تفاوت قابل توجهی در عملکرد با ارقام داخلی در سطح کلان ندارند زمینه ایجاد تردید در کشاورزان را که حتماً بذور خارجی برترند را ایجاد نموده و سرمایه صرف شده توسط شرکت های داخلی برای تولید بذور فوق را به هدر خواهد داد. پیشنهاد می نماید با توجه به تغییر سیاست ها در زمینه دانه های روغنی و تفویض اختیارات به مجری طرح، توجه ویژه به تحقیقات خصوصی بذر جهت ارائه ارقام و هیبریدها جدید متناسب با نیازهای داخلی در برنامه کاری قرار گیرد تا از خروج مقادیر متناهی ارز با وجود توانمندی داخلی پیشگیری به عمل آید. شاید مساعدت های مالی از محل بخشی از اعتباراتی که برای واردات در نظر گرفته می شود در قالب چارچوب مشخص برای شرکت های فعال خصوصی در عرصه بذر خصوصی ما را به سرمنزل مقصود برساند.

با نزدیک شدن به فصل پاییز کم کم تب زراعت و کشت کلزا در کشور فرا می رسد و کلیه دست اندرکاران نهایت تلاش خود را به کار خواهند بست تا زمینه ترغیب کشاورزان به کشت این دانه روغنی را فراهم نمایند. اما چنانچه بخواهیم منصفانه روند و تمایل کشاورزان به زراعت کلزا در مقایسه با سال های قبل مورد ارزیابی قرار دهیم متوجه نوعی سردرگمی در اتخاذ تصمیم به کشت کلزا توسط کشاورزان می گردیم.

متأسفانه در چند سال اخیر شاهد آن هستیم که مقادیر متناهی از بذور کلزای خارجی از ارقام و تیپ های مختلف به کشور وارد شده که شاید برای قسمت عمده آنها تاییدیه آزمایشات مراجع تحقیقاتی ارائه نشده است. به دفعات این مورد از سوی مسئولین تحقیقاتی دولتی مطرح گردیده است که هرچند ارقام وارد شده ممکن است به صورت تک مزرعه عملکرد قابل قبولی داشته باشند ولی معرفی و توصیه ارقام برای هر منطقه روالی دارد که باید طی شود تا امکان تکیه بر یک رقم وجود داشته باشد ولی بررسی اجرایی و عملیاتی محصول تولید شده توسط کشاورزان جز در موارد خاص موید تفاوت چشمگیر عملکرد با ارقام رایج نمی باشد. نگارنده در این سطور قصد ندارد تا وجود برتری در بذور هیبرید را منکر شود ولی باید پذیرفت ساختار کشاورزی کشور ما با کشورهای پیشرو در اروپا متفاوت است، به واقع چند درصد از کشاورزان ما قادرند تا با امکانات و ادوات در دسترس خود با مصرف بذری در حد ۲/۵ کیلوگرم تراکم حدود ۴۰ بوته در متر مربع را فراهم نمایند و اراضی خود را به بهترین نحوه برای کشت کلزا آماده سازی نمایند؟

بنده معتقدم تعجیل در سیاست های که در رابطه با واردات ارقام کلزا در پیش گرفته شده است نه تنها این زراعت را ختم به